

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش روشنفکران وابسته
در تهاجم فرهنگی غرب

جلد هشتم

مهندس مهدی بازرگان

مؤسسه فرهنگی قدر ولایت

نقش روشنفکران وابسته در تهاجم فرهنگی غرب
جلد ۸
مهندس مهدی بازرگان

تألیف و تدوین: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت
ناشر: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۰ شمارگان: ۳۰۰۰ جلد
حروفچینی: ظریفیان لیتوگرافی: نیما چاپ: کیوان صحافی: سبحان
حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است.

شابک: X-۱۸-۷۲۹۲-۹۶۴-۹۶۴-۷۲۹۲-۱۸-X ISBN: 964-7292-18-X

تلفن توزیع: ۶۴۶۹۹۵۸ - ۶۴۱۱۱۵۱

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار	۷
فصل اول: زندگینامه مهندس مهدی بازرگان	۱۵
فصل دوم: شخصیت مهندس بازرگان و عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری	
آن	۶۱
الف: خانواده	۶۱
۱- رفاه خانواده	۶۱
۲- تجدد خانواده	۶۵
ب: تحصیلات مقدماتی در تهران	۶۶
ج: تحصیلات در فرانسه	۷۱
د: شرایط اجتماعی و سیاسی ایران	۷۸
ه: دوستان و همکاران	۸۶
 فصل سوم: اندیشه دینی بازرگان و جلوه‌های آن	 ۹۹
«راه طی شده»	۱۰۰
«بعثت و ایدئولوژی»	۱۱۲
«آخرت و خدا هدف بعثت انبیاء»	۱۱۸

- ۱- تحریف و تأویل آیات ۱۲۳
- ۲- تحریف سیره انبیاء و ائمه علیهم السلام ۱۲۵
- مؤلفه‌های مؤثر در آثار دینی بزرگان ۱۳۸
- بازتاب اندیشه دینی بزرگان در نهضت آزادی ایران ۱۴۸
- ۱- میزان تکیه بر اسلام ۱۴۸
- ۲- حمایت از قانون اساسی مشروطه ۱۵۲
- ۳- ارتباط با آمریکا ۱۵۴
- ۴- مصدق‌ی بودن ۱۵۶
- بازتاب اندیشه دینی بزرگان در سازمان باصطلاح مجاهدین خلق ۱۵۸

- فصل چهارم: عملکرد بزرگان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی** ۱۷۵
- نهضت مقاومت ملی ۱۷۶
- مواضع بزرگان و نهضت آزادی در قبال ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ۱۸۵
- جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر ۱۹۱
- تلاش بزرگان برای فریب دادن حضرت امام رهبر ۲۰۰
- متن سند نشست شخصیت‌های سیاسی میانه‌رو ۲۰۹
- تشکیل شورای سلطنت و تداوم توطئه تلاش برای فریب امام رهبر ۲۱۲

- فصل پنجم: عملکرد بزرگان پس از پیروزی انقلاب اسلامی** ۲۲۵
- ۱- نخست‌وزیری بزرگان و تشکیل دولت موقت ۲۲۵
 - ۲- انتخاب وزرا و معاونین و مسئولان ۲۳۳
 - ۳- رفراندوم جمهوری اسلامی ۲۴۳
 - ۴- مجلس خبرگان و قانون اساسی و ولایت فقیه ۲۴۶
 - ۵- ارتباط با آمریکا ۲۶۵

فهرست مطالب • ۵

سابقه ارتباط با آمریکا	۲۶۹
مذاکره با دشمن و پاسخ شهید بهشتی	۲۷۴
حضور آمریکاییها در ارتش!	۲۸۴
ع- ماجرای کردستان	۲۸۶
شکست خط لیبرال در برابر انقلاب	۲۹۶

فصل ششم: عملکرد بازرگان بعد از سقوط دولت موقت ۲۹۹

۱- ادامه عضویت در شورای انقلاب با جلب موافقت امام	۳۰۰
۲- شرکت در انتخابات ریاست جمهوری	۳۰۱
۳- نمایندگی مجلس شورای اسلامی	۳۰۳
۴- ائتلاف با بنی صدر و طیف ضد انقلاب در براندازی نظام اسلامی ..	۳۰۷
الف: مخالفت با نخست‌وزیری شهید رجایی و انتخاب وزراء	۳۰۷
ب: تفاهم با بنی صدر	۳۱۳
ج: مقاله روزنامه میزان و تهمت انحصارطلبی به شخصیت‌های خط امام	۳۱۵
د: میتینگ سیاسی امجدیه، یک هفته قبل از غائله چهاردهم اسفند	۳۱۹
ه: اطلاعیه «کی باید برود؟»	۳۲۲
و: چند سخنرانی در حمایت از عملیات جریان‌برانداز	۳۳۰
ز: شرکت در مراسم ۱۴ اسفند برای براندازی نظام	۳۳۵
ح: نامه سرگشاده بازرگان و دور جدید تحریک جریان‌برانداز	۳۴۰
ط: حمایت از منافقین به عنوان «فرزندان خود»!	۳۴۰
۵- اعلام راهپیمایی علیه لایحه قصاص و موضع بازرگان	۳۴۶
۶- موضع بازرگان در قبال فاجعه هفتم تیر و هشتم شهریور	۳۵۴
۷- مواضع بازرگان در قبال جنگ تحمیلی	۳۵۷

۶ ● نقش روشنفکران وابسته (۸)

- الف: مواضع بازرگان تا فتح خرمشهر ۳۵۸
- ب: مواضع بازرگان پس از فتح خرمشهر ۳۶۰
- ۸- سفارش نشریه فرانسوی لوموند به بازرگان ۳۷۲
- ۹- تدوین کتاب «انقلاب ایران در دو حرکت» ۳۷۷

- پیوستها ۳۸۳
- عباس امیرانتظام ۳۸۵
- حسن نزیه ۳۹۳
- احمد مدنی ۳۹۹
- رحمت الله مقدم مراغه ای ۴۰۷



پیشگفتار

پرداختن به مقوله «تهاجم فرهنگی» به باورها و فرهنگ سایر کشورها - عمدتاً شرقی و بویژه کشورهای اسلامی - از سوی سیستم سیاسی و فکری لیبرالیسم - که آمریکا و کشورهای اروپایی مظهر آن به شمار می‌روند - بسیار مهم و در عین حال پیچیده و حساس است. اهمیت مسأله از آنجائش می‌شود که فتح فرهنگ کشورها، تمامی عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی آن‌ها را در اختیار «مهاجم» قرار می‌دهد بدون آنکه بر علیه او اعتراضی برانگیخته شود. پیچیدگی آن هم بخاطر بکارگیری وسیع امکانات علمی متعدد و مختلف و تکنولوژی پیشرفته و نیروها و منابع فراوان در تهاجم است. حساسیت «تهاجم فرهنگی» نیز به سبب تئوری پردازیها و رفتارهایی است که «باورها و عادات» عمومی را تغییر داده و خواسته‌های خود را بجای آنها در عمق فکر و دل مردم می‌نشانند؛ بگونه‌ای که امر بر همگان مشتبّه شده و امکان تشخیص «باورها و عادات» خودی از بیگانه سخت و گاه غیرممکن می‌گردد. غالباً این جابجایی بطور ظریف و در مدت طولانی انجام می‌گیرد.

ما در این پیشگفتار، سعی می‌کنیم تابلویی گویا ولی کوتاه از گستره «تهاجم فرهنگی» ترسیم نموده و نقش و جایگاه «روشنفکران دینی و غیردینی» را در آن به نمایش بگذاریم؛ اگرچه معتقدیم، این تابلو بایستی در یک مقوله جداگانه بررسی شده و جزء به جزء آن مورد توجه قرار گیرد.

اولین نقطه در این تابلو، این سؤال است که چرا و از چه زمانی غرب به «تهاجم فرهنگی» روی آورد و آن را در دستور کار خود قرار داد؟ پاسخ ساده به این سؤال نشان می‌دهد که غرب، با سیستم سیاسی و فکری لیبرالیسم، و پیشرفت سریع و درخشان علمی، به این نتیجه رسید که فتوحات نظامی، دارای هزینه‌هایی سنگین اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بوده و تحمیل آن به لیبرالیسم غربی، آن را از پیشرفت باز داشته و توجیه فکری و روانی طرفداران خود را دچار مشکل می‌سازد. بنابراین باید بگونه‌ای برنامه‌ریزی می‌شد که بدون تهاجم نظامی، تفکر

غربی بر جهان حاکم شود و منافع جهانی را به سوی آنان سرازیر نماید. اگر در مقطعی هم نیاز به تهاجم نظامی احساس شود بگونه‌ای بایستی زمینه‌سازی گردد که افکار عمومی، آن را به عنوان یک دارو یا راه نجات و جزیی از حقوق بشر و دفاع از پیشرفت بشریت، تلقی نمایند! این شیوه جدید از تهاجم، عمدتاً از قرن نوزدهم آغاز شد و در قرن بیستم در پاره‌ای از کشورها، بنا به موقعیتهای مختلف جغرافیایی و فرهنگی، انجام گرفت.

دومین نقطه در تابلوی «تهاجم فرهنگی» این مسأله است که غرب لاییک، برای پیشبرد هجوم به فرهنگ جوامع مورد نظر، از کجا باید آغاز می‌کرد؟ بطور طبیعی، غرب برای آغاز تهاجم، نیاز به اطلاعات داشت؛ چنانچه در تهاجم نظامی نیز عنصر اصلی برای طرح‌ریزی عملیاتی، اطلاعات دقیق و همه‌جانبه است.

اطلاعات در چه زمینه‌هایی مورد نیاز بود؟

- ۱- روحیات اقوام مختلف کشور
 - ۲- باورهای اعتقادی و دینی و میزان عمق ایمان دینی
 - ۳- عوامل و انگیزه‌های مؤثر در خیزش و مقاومت مردم
 - ۴- نقاط آسیب‌پذیر فکری و عاداتی عامه
 - ۵- نظام سیاسی و ساخت قدرتی حاکم
 - ۶- فرهنگ ملی و علائق و آداب و رسوم مردم
- از چه راههایی به این اطلاعات دسترسی پیدا می‌کردند؟
- ۱- سفرا و کارداران و نمایندگان اعزامی رسمی
 - ۲- مستشرقین و جهانگردان
 - ۳- تجار و بازرگانان
 - ۴- جاسوسان که بیشتر در میان قبایل و اقوام با لباس مبدل، مدتها زندگی می‌کردند.

- ۵- عناصر مجذوب و مرعوب خودی و داخلی
 - ۶- مستشاران نظامی و سیاسی و مالی
 - ۷- هیئتهای تبلیغی و تبشیری مسیحیان
- سومین نقطه که مرحله اصلی «تهاجم فرهنگی» است، طرح‌ریزی و

پیشگفتار • ۹

اجرای عملیات تهاجم است. در طرح ریزی چند مسأله حائز اهمیت است. اولین نکته حائز اهمیت در طرح ریزی، تعیین اهداف تهاجم است. اهداف را همچون عملیاتهای نظامی در هدفهای ابتدایی، میانی و نهایی دسته بندی نمودند. اهداف ابتدایی: معمولاً در اهداف ابتدایی، نقاطی که تصرف و نگهداری آنها موجب تسهیل در هجوم بعدی می شود، مورد توجه قرار می گیرند. نفوذ و گرفتن سرپل برای بسط نیرو در سرزمین مقابل و زدن ضربه نهایی از اهداف ابتدایی است. در تهاجم فرهنگی، یافتن عناصر سست از لحاظ اعتقادی و فکری و مرعوب از نظر شخصیتی و روانی، در بخشهای مختلف، و ارتباط دادن آنان با عوامل اطلاعاتی و تحت تأثیر قرار دادن آنان، از اهداف مهم ابتدایی است. عناصری که بدین ترتیب نقش ستون پنجم دشمن را در داخل بعهده می گیرند، در موفقیت دشمن بسیار کارساز هستند.

برای تربیت این عناصر وابسته، چه شیوه هایی به کار می رود؟

- ۱- حمایت از آنان در موقعیتهای مختلف و قرار دادن آنان در مشاغل حساس بویژه در پُستهای امور خارجه و معارف و عدلیه.
- ۲- پذیرش آنان در کشورهای خود تحت عناوین سفیر، مأمورین امور خارجه، میهمان، دانشجوی، پناهنده، تحت الحمايه و گردشگر و ...
- ۳- ایجاد مدارس ابتدایی و عالی برای جذب و تربیت نخبگان وابسته و تحمیلی.

- ۴- جذب آنان در سازمانهای وابسته مانند فراماسونری و سازمانهای به ظاهر انساندوستانه مانند حقوق بشر.

عناصری که به این ترتیب جذب و تربیت شده اند بایستی وارد عمل شده و شعاع تهاجم را گسترش دهند. و اهداف میانی را به اشغال در آورند و سپس برای دست یافتن به هدف نهایی، بسیج شوند.

اهداف میانی: بدست آوردن پُستهای حساس سیاسی، نظامی و اقتصادی در نظام حاکم توسط عناصر تربیت شده است. این امر حتی با کودتا هم ممکن است انجام شود، مانند کودتای اسفند ۱۳۹۹ رضاخان.

تغییر نظام سیاسی حاکم و بوجود آوردن فضای مناسب برای عناصر تربیت شده، حد نهایی این مرحله است. نمونه آن را در استقرار نظام مشروطه در ایران مشاهده کردیم. عناصر تربیت شده چون میرزا ملکم خان، محمدعلی فروغی، میرزا حسینخان سپهسالار، دولت آبادی، تقی زاده، مصدق و دیگران در برگردان نظام حاکم و تبدیل آن به مشروطه غربی تلاش زیادی بخرج دادند و درواقع زمینه را برای هدف نهایی و فتح کامل کشور توسط مهاجمین فراهم نمودند.

هدف نهایی، تغییر فرهنگ مردم و ساخت فرهنگ جدید، مشتمل بر باورها و خواستها و عادات و رسوم جدید، تعیین شده است. در این مرحله، مردم می بایستی آنگونه فکر و زندگی کنند که غریبها می خواهند. مردم بایستی باورهای غرب را بپذیرند و از تاریخ و هویت و دیانت خود تهی شده و همچون قالبی و ظرفی شوند که محتوا و مضمون آن را غرب تعیین می کند.

حال در تابلوی «تهاجم فرهنگی» می نگریم تا ببینیم، غرب برای رسیدن به اهداف میانی و نهایی، توسط عناصر تربیت شده خود، اولاً، از چه ابزار و امکاناتی سود جست؟ ثانیاً، چه نقاط حساسی را بیشتر آماج حمله خود قرار داد؟

ابزارها و امکانات غرب در تهاجم فرهنگی

۱- رسانه های جمعی چون رادیو، تلویزیون، سینما، تأثر، کتاب، مطبوعات و روزنامه ها.

درواقع تئوریزه کردن تهاجم فرهنگی غرب و نفوذ آن در افکار عمومی و در مقابل، تحقیر شخصیت و فرهنگ و باورهای خودی و دینی در دستور کار این رسانه ها قرار گرفته و افراد شیفته غرب در رأس این ابزارها و امکانات، راه را برای اشغالگران هموار نمودند.

۲- حکام وابسته و سیاستمداران زبون و درباریان عشرت طلب و منفعت خواه.

این گروه به واسطه ضعف و زبونی و شهوت رانی و خودخواهی و جدایی از مردم، در برابر فشارها و تهدیدها و تطمیع دولتهای غربی و سفارتخانه ها و سفرای آنان، نقش اجرایی کردن برنامه ها را بعهده داشتند. یکی با امضای فرمان

مشروطه غربی و دیگری با کودتای نظامی و هر دو تحت فشار و خواست و دخالت مستقیم دولت‌های غربی بویژه انگلیس عمل نمودند و بدین گونه بود که نظام و سازمان سیاسی کشور، وابسته به غرب و مروج غرب زدگی شد.

۳- روشنفکران دانشگاهی و قشر تحصیل کرده.

اینان تحت تأثیر تربیت معلمان و اساتید غرب زده، راهی جدا از مردم و باورهای آنان در پیش گرفتند و غالباً در خدمت نظام سیاسی، فرهنگی و مالی رژیم وابسته قرار گرفتند. تحصیل کردگان، اشاعه دهندگان سنتها و آداب و عادات غربیها در رفتارهای اجتماعی بودند که عملاً آنچه در رسانه‌های جمعی تبلیغ می‌شد، به نمایش می‌گذاشتند. در بُعد قانونگذاری و اجراییات هم، سازماندهی و شیوه‌های اداری و مدیریتی غرب را حاکم ساختند.

نقاط حساسی که آماج حمله قرار گرفت

۱- حوزه‌های علمیه و روحانیت

حوزه‌های علمیه و روحانیت به عنوان حافظان دین و اعتقادات اسلامی، بیش از هر نقطه دیگر مورد هجوم قرار گرفت. هجومها در محورهای تهمت و هتک حریم دین، ایجاد شک و شبهه در باورهای دینی، کهنه و قدیمی و غیر علمی معرفی کردن اعتقادات و احکام اسلامی، ناکارآمد جلوه دادن آن برای اداره زندگی، غیر عقلایی نشان دادن مبانی اسلامی، تحقیر شخصیت علماء و روحانیون، جدایی دین از سیاست، حبس و تبعید و شهادت علماء مبارز، ایجاد تشکیلات موازی با نهادهای روحانیت، حصر اقتصادی روحانیت و حوزه‌های علمیه و ... صورت گرفت. ابعاد این هجوم بسیار گسترده و وحشیانه و با شیوه‌های مختلف انجام شد. ترویج باستان‌گرایی برای کم رنگ کردن علائق اسلامی از شیوه‌های تهاجم به دین و ارزشهای آن به شمار می‌رود.^(۱)

۲- مدارس و دانشگاهها

مدارس کشور از ابتدایی تا دانشگاهها به عنوان محلهای تربیت نسل جوان

۱- برای مطالعه ابعاد این تهاجم به کتاب «تهاجم به روحانیت و حوزه‌های علمیه» از انتشارات این مؤسسه مراجعه شود.

مورد توجه جدی مهاجمان بود. جالب است که در کشور، ابتدا مدارس عالی و دانشگاهی چون دارالفنون^(۱) و مدرسه علوم سیاسی بوجود آمد و تقریباً ۵۰ سال بعد، مدارس ابتدایی به سبک جدید و غربی دایر گردید. مدارس جدید و دانشگاهها، هم از لحاظ برنامه درسی و هم شیوه و روش تدریس و تربیت و هم از جهت مدرسین و معلمان و اساتید، کاملاً سبک و سیاق مدارس غربی را داشت و فرآورده و محصول آن، بیگانه از فرهنگ خودی و متناسب با خواست غرب بود. اغلب اساتید غرب زده بودند و ماحصل کار آنان به درد فرهنگ غرب می خورد تا مردم کشور.

۳- تاریخ و اسطوره های مقاومت و استقلال کشور

مهاجمین فرهنگی برای تهی کردن مردم کشورهای مورد تهاجم و بویژه نسل جوان آنها، تاریخ و مفاخر و اسطوره های آن کشورها را مورد تحریف و دستبرد قرار داده و تاریخ آنان را بگونه ای نوشته و منعکس می کردند که گویا نسلی بی ریشه و بی هویت هستند که هیچ گذشته مورد اعتماد و اتکاء و درخشانی نداشته اند! در اینجا نقش باصطلاح مستشرقین برجسته تر می شود. آنان با همکاری قلم به مزدهای مرعوب داخلی، تاریخ را آنگونه که منافع غرب ایجاب می کرد نوشتند! تهاجم به تاریخ ملت های تحت سلطه، از جمله نقاط استراتژیک در طراحی «تهاجم فرهنگی» است که اثر آن سالهای طولانی باقی می ماند. بیگانگی از سمبل های مقاومت و ایثار و استقلال ملت و کشور در نسل جوان از هدف های این تهاجم است.

۴- زبان و ادبیات

زبان و ادبیات کشورهایی که بایستی تحت سلطه قرار گیرند، از جمله نقاط مهمی است که در طراحی غرب، می بایستی بدان دست یافت. در بسیاری از این کشورها، زبان نوشتاری مردم تغییر یافت! و بدینوسیله ارتباط نسل های بعد با تمدن و فرهنگ و نسل های قبلی قطع می شد! به تبع تهاجم به زبان، ادبیات نیز از

۱- دارالفنون ابتدا بصورت دانشکده بلکه دانشگاه پلی تکنیک بود و در سال ۱۲۶۸ آغاز به کار کرد و سپس در سیر نزولی خود در حد یک دبیرستان درآمد.

تعرض مصون نمی ماند و مورد هجوم قرار می گرفت. شعرا، نویسندگان و گویندگان، اقشاری بودند که در این تهاجم خود آگاه و ناخود آگاه، حلقه محاصره دشمن را بر ملت خود تنگ تر می کردند و با داستانسرایی و اشعار و محاوره با فرهنگ و زبان دشمن، غرب زدگی را که کلید فتح دروازه خودی است، ترویج نموده و لاقیدی و دین گریزی و پوچی را در میان نسل جوان خود تبلیغ می نمودند.

۵- تمامیت ارضی و وحدت کلمه

تمامیت ارضی و وحدت نیز از جمله آماجی بودند که از «تهاجم فرهنگی» درامان نماندند. ترویج تفکر ناسیونالیسم «ملی گرایی» وحدت عمومی جهان اسلام را به تفرقه و خصومت های ملی تبدیل کرد و در هر کشوری، قومیت ها از یکدیگر جدا و به نوعی رقابت منفی و زیانبار مشغول شدند. جهان اسلام، پاره پاره و هر گوشه آن به داشته های خود سرگرم و از دیگران غافل یا حتی دشمن با یکدیگر شدند. قوم عرب، قوم ترک، قوم ایرانی و ... بهانه هایی شدند برای غفلت از سرنوشت مشترک، آنهم در شرایطی که غرب رو به سوی وحدت داشت. دامن زدن به اختلافات مسلکی، ایجاد حزب های دینی ساختگی، بزرگ کردن نقاط اختلاف و کوچک کردن نقاط مشترک، تحریک عصبیت های جاهلی، از جمله نقشه هایی بودند که کشورهای جهان سوم و بویژه اسلامی را به خود مشغول کرده و از حرکت های سازنده و جهش های علمی و عملی و ایستادگی در برابر زیاده طلبی های غرب باز می داشت.

خوب، در این تابلویی که به اختصار ترسیم شد، نیروی زبده و کارساز و پیشقراول دشمن، روشنفکران و اقشار تحصیل کرده در غرب یا مدارس و دانشگاه های غرب زده داخل بودند که هم در تغییر ساختار سیاسی حاکم بر جامعه و هم در تغییر فرهنگ عمومی مردم و هم در تهاجم به نقاط استراتژیک و حساس ملت، نقش ممتاز و برجسته داشتند. روشنفکران - هم در وجه ملی و هم ملی، مذهبی خود - سرپل نفوذ دشمن در کشور و ملت خود بودند و هستند. آنان با باور های تغییر یافته خود، برپادارندگان سلطه ابرقدرتها هستند. غرب مسلط بر تکنولوژی، برای گسترش فرهنگ خود و خلع سلاح کشورهای تحت سلطه، از راه این قشر وارد شد و سالهای سال بر منابع و منافع ملت های مورد نظر تسلط یافت

و با چپاول آنها بر تمول و قدرت خود افزود. اینک معنای عمیق جمله بنیانگذار جمهوری اسلامی را بهتر درک می‌کنیم که فرمودند:

ما از شرّ رضاخان و محمدرضا پهلوی خلاص شدیم لکن از شرّ تربیت یافتگان غرب و شرق به این زودیها نجات نخواهیم یافت. اینان بر پادارندگان سلطه ابرقدرتها هستند و سرسپردگانی می‌باشند که با هیچ منطقی خلع سلاح نمی‌شوند و هم اکنون با تمام ورشکستگیها دست از توطئه علیه جمهوری اسلامی و شکستن این سدّ عظیم الهی بر نمی‌دارند.^(۱)

علّت روی آوردن این مؤسسه به تشریح نقش و عملکرد روشنفکران وابسته در تهاجم فرهنگی غرب، اهمیت این مسأله است. تداوم نقش روشنفکران ملی و ملی مذهبی در تخریب باورها و خواسته‌ها و ساختار مورد علاقه مردم که در مدت بیست و دو سال همیشه بر آن پای فشرده‌اند، بر حساسیت مسأله و اهمیت آن افزوده است. این قشر ورشکسته که هیچ هنری جز ادعا ندارند و تاریخ از دلّالی و خیانت و هرزگی و وابستگی آنان، قصّه‌های غم‌انگیز و نفرت‌آوری در خود ثبت کرده است، با حمایت آمریکا و غرب، همچنان دست‌اندرکار خنجر زدن به ملت از پشت هستند. لذا باید نقش آنان روشن شود، توطئه آنها برملا گردد و بویژه جوانان نسبت به تحریکات آنان در محیط‌های دانش‌آموزی و دانشجویی، حساسیت و دقت لازم را داشته باشند. بیداری و هوشیاری و عبرت‌آموزی از تاریخ، رمز رستن از دام‌هایی است که گسترده‌اند و عمل به هشدارها و رهنمودها و تدابیر رهبر حکیم و فهیم و عادل، راه مستقیم هدایت و نجات از دام روشنفکران ظلمت‌گستر است.

امروز زمانی است که ملت‌ها چراغ راه روشنفکرانشان شوند و آنان را از خود باختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند که امروز روز حرکت ملت‌هاست و آنان هادی هدایت‌کنندگان تاکنونند.^(۲)

قابل ذکر است که مجموعه جلد هشتم قبلاً بطور پاورقی در روزنامه کیهان به چاپ رسید که اینک مجموعه آن با اصلاحات و اضافات در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

مؤسسه فرهنگی قدرت ولایت

۱- صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۸۶.

۲- صحیفه نور، ج ۷ دوره جدید، ص ۵۲۵.